



دیپلمات میدان

گزارش «وطن امروز» از ۳ دهه
عملکرد شهید حسین امیرعبداللہیان

صفحه ۷

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

در طلب شهادت

نگاهی به زندگی آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌ہاشم
سومین امام جمعه شهید تبریز

صفحه ۵



VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4044 | TUE.MAY.21.2024 | ISSN:2008-2886

۱۸۸ سال و ۴۰ روز گذشت

سه‌شنبه | اول خرداد ۱۴۰۳ | ۱۲ ذی‌العده ۱۴۴۵ | ۲۱ مه ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۴۴ | صفحه ۵-۳ | تومان

در گذشت شهادت‌گونه عالم مجاهد، خادم‌الرضا^(ع) دکتر سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و همراهان وی در سانحه سقوط بالگرد رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت درگذشت شهادت‌گونه رئیس‌جمهور و همراهانش:

رئیس‌جمهور عزیز خستگی نمی‌شناخت



مراسم تشییع پیکرهای شهدا
صبح روز چهارشنبه از دانشگاه تهران
تا میدان آزادی برگزار می‌شود

محمد مخبر با موافقت رهبر انقلاب
اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست‌جمهوری
را بر عهده گرفت

دولت ناتمام؛ رئیس‌جمهور ابدی

را که پرونده ریاست‌جمهوری‌اش با شهادت بسته شد، می‌توان شبیه شهید رجایی و دولت ناتمامش دانست. موقعیت شهادت آیت‌الله‌رئیس‌ی به گونه‌ای بود که بیش از همه یادآور صفت و مظهر اصلی ریاست‌جمهوری‌اش یعنی فعالیت جهادی و خدمت‌گزاری شبانه‌روزی بود. شهید رئیسی در دوره کمتر از ۳ ساله ریاست‌جمهوری‌اش حدی از فعالیت و پویایی را به نمایش گذاشت که به سختی کسی بتواند به نزدیکی آن برسد. از همین رو اگر ایران امروز رئیس‌جمهور خود را از دست داده و باید دولتی جدید را به جای دولت سیزدهم به کرسی قدرت بنشانند اما این دولت نیمه‌تمام به سرمایه‌های نمادین برای ارتقای خدمت‌رسانی دولت‌های بعد تبدیل شده است. ویژگی دیگر شهید رئیسی که تبدیل به نماد مدیریتی‌اش می‌شود عدم ورود به دعوای سیاسی بود. او امروز در حالی دوره مسؤولیتش پایان یافته که در ۲۲ ماه دوره ریاست‌جمهوری خود هیچگاه وارد دعوای جناحی - سیاسی نشد.

ادامه در صفحه ۶

به دومین رئیس‌جمهوری شود که عنوان شهید را به دوش می‌کشد. محمدعلی رجایی، رئیس‌دولت دوم، نخستین رئیس‌جمهوری بود که پرونده دولتش با شهادت بسته شد. دولت رجایی البته عمری بسیار کوتاه‌تر از همه دولت‌های انقلاب داشت و حتی یک بهار را به چشم خود ندید. کوتاه بودن عمر دولت دوم اما نتوانست مانع مابقی آن در حافظه جمعی ایرانیان شود. دولت ۲۸ روزه شهید رجایی از منظر مدیریتی فرصت آن را نیافت تا با مدیریتش مورد قضاوت قرار بگیرد اما از جهات نمادین تبدیل به یک شاخص برای قیاس عملکرد دولت‌های پس از خود شد. ساده‌زیستی شهید رجایی، در پیش گرفتن مشی مردمی و مبارزه با تشریفات مرسوم باعث شد دولت‌هایی که پس از آن روی کار می‌آمدند با شاخصه آن دولت مورد قضاوت قرار گیرند. از همین رو با گذشت بیش از ۴ دهه از آغاز تا پایان دولت دوم هنوز ارزش‌های آن دولت و مشی شخصی رئیس‌جمهورش ابزار برای مطالبه از تمام مسؤولان کشوری است. از این منظر موقعیت شهید سیدابراهیم رئیسی به‌عنوان دومین رئیس‌جمهور ایران

نگاه **ارمیا عزیز:** ناگهان زمان برای ساعاتی ایستاد. این شاید مختصرترین تعریف متناقضی باشد که بعدها بتوانیم برای توصیف وضعیت تجربه‌شده از بعد از ظهر یکشنبه تا بامداد دوشنبه به کار ببریم. پایان این ایست همزمان با یک خبر بود و گویی که بی‌خبر، زمان نیز وجود ندارد. آنچنان که میل آدمی به حیات در هنگام چشم‌انتظاری به ضد خود بدل می‌شود و زمان را تبدیل به ابزاری برای آزار منتظر می‌کند. پایان این انتظار، بی‌خبری و بی‌وضعیتی با خبر تلخی همراه بود که همگان برای نشنیدنش به انتظار نشستند. این پایان هر چند تلخ بود اما زمان را دوباره به جریان انداخت. زمانی که حالا پس از سکنه چندساعت‌ش کشور را هم با یک موقعیت جدید مواجه کرده: ایران پس از شهادت رئیس‌جمهور، شهادت آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی و هیات همراهش به شکلی دور از انتظار پرونده یکی از پرکارترین و فعال‌ترین دولت‌های تاریخ کشور را زودتر از موعدی که انتظارش می‌رفت بست تا رئیس این دولت تبدیل

لنگر گاه‌های ثبات در جمهوری اسلامی

از اشخاص برده و قوام و دوام کشور وای افراد را تضمین می‌کند. از همین رو تمرکز بر تقویت و پاسداشت این نظام حقوقی واجب است. در وهله بعد یکی دیگر از جدی‌ترین لنگر گاه‌های ثبات در نظام جمهوری اسلامی، ولایت فقیه است. نهاد ولایت فقیه در ایران بر خلاف نهاد مرجعیت، مشروعیت و جایگاه خود را از شخص ولی فقیه دریافت نمی‌کند، بلکه یکی از ممیزات جدی آن ارتقا به سطح نهادی از رحلت امام خمینی(ره) این نهاد کارکرد خود را امتداد بخشیده و آیت‌الله خامنه‌ای در این جایگاه توانستند با درایت و حکمت، قوام و دوام این نظام را بسط دهند. سومین مورد از لنگر گاه‌های نظام که به نوعی قوام و دوام ۲ مولفه دیگر را نیز به لحاظ اثباتی تأمین می‌کند، مردم هستند. واقعیت موجود در دولت‌های مدرن آن است که تکیه آنها برای اداره بر تکنولوژی‌ها و ابزارهای مدرن است. دولت‌های مدرن به معنای واقعی کلمه دولت‌های بدون مردم هستند.

ادامه در صفحه ۶

برمی‌بندند. در تاریخ معاصر ما نمونه‌های متعددی از این جنبش‌ها را می‌توان به عنوان مثال ذکر کرد. در نقطه مقابل اما اگر جنبش‌ها خود را به سطح ساختار رسانده و بسط داده باشند، هر چند هنوز هم وجود رهبران و بزرگان نافذ برای بسط آنها ضروری می‌نماید اما بقا و دوام آنان دیگر به وجود افراد نیست. واقعیت درباره جمهوری اسلامی ایران نیز چنین است که نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۵۷ خود را از سطح جنبش به سطح ساختار و حاکمیت رسانده و از همین رو به رغم ترورهای متعدد ابتدای انقلاب، با وجود تثبیت نشدن ساختار اما باز بقا و دوام یافت. امروز البته وضعیت تا حدودی نیز متفاوت بوده و می‌توان لنگر گاه‌های ثباتی را برای نظام اسلامی برشمرد که وای افراد، احزاب و جریان‌ها برای کلیت جامعه و نظام ثبات‌آفرین هستند. یکی از این لنگر گاه‌های ثبات در جمهوری اسلامی، نظام حقوقی قانون اساسی است. قانون اساسی و نظام حقوقی از منظر جامعه‌شناختی مبنای مشروعیت حاکمیت را فراتر

یادداشت **علی عسگری:** یکی از دلگرمی‌هایی که شامگاه دلهره‌آور و استرس‌زای سی‌ام اردیبهشت که هنوز مردم از سرنوشت رئیس‌جمهور مردمی خود خبر نداشتند از سوی رهبر انقلاب نسبت به مردم واصل شد، این جمله بود: «مردم عزیز مطمئن باشند مسؤولان با جدیت چندبرابری مشغول کارهای خود هستند و ما هم توصیه‌هایی را که لازم بوده، به آنها کرده‌ایم. ملت ایران نگران و دلواپس نباشند، هیچ اختلالی در کار کشور به وجود نمی‌آید. ان‌شاءالله همه کارها اعم از امنیت کشور و امنیت مرزها و امور مربوط به قوه مجریه مرتب و منظم انجام خواهد شد و پیش خواهد رفت». این جمله را با توجه به وضع موجود جمهوری اسلامی چگونه می‌توان توضیح داد؟ در پاسخ باید چنین طرح کرد که در وضعیت جنبشی، اشخاص و افراد دارای جایگاه محوری و ویژه‌ای هستند. با شهادت یا وفات یک فرد موثر، از دایره نفوذ و قدرت حرکت‌های خودجوش مردمی کم شده و آهسته آهسته از صحنه حیات رخت